

معلمان دست به اعتصاب و تجمع سراسری زدند

زنده باد اتحاد معلمان

پیش به سوی اعتصابات و اعتراضات سراسری

صفحه ۲



خروج آمریکا از برجام و پیامدهای آن

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوائی

برنامه‌ها موشکی‌اش را ادامه داده است، فعالیت‌های نظامی و حمایتش از گروه‌های تروریستی را در منطقه ادامه داد است و این با "روح" برجام مغایر است. بعلاوه نکات دیگری نظیر اینکه برجام تاریخ انقضا دارد و بعد از آن جمهوری اسلامی میتواند فعالیت‌های هسته‌ای‌اش را از سر بگیرد و غیره.

صفحه ۳

دوره که باید کنگره تعهد جمهوری اسلامی به قرارداد و ادامه آنرا بررسی میکرد ترامپ علیه برجام صحبت میکرد و بالاخره هم اعلام کرد آمریکا از برجام خارج خواهد شد.

آنچه ترامپ اعلام میکند و به اصطلاح چهارچوب رسمی و دیپلماتیک مساله، اینست که برجام باندازه کافی جمهوری اسلامی را محدود نکرده است، رژیم اسلامی

کیوان جاوید: خروج آمریکا از برجام را چطور ارزیابی میکنید؟ چرا دولت آمریکا از برجام خارج شد؟

حمید تقوائی: این سیاست و هدفی بود که ترامپ از همان دوره کارزار انتخاباتی‌اش اعلام کرده بود. اعلام کرده بود که برجام را قبول ندارد، این قرارداد را به ضرر آمریکا میدانند و آنرا پاره خواهد کرد. بعد از ریاست جمهوری هم هر

چشم انداز سرنگونی و وحشت دوحردادایها

کاظم نیکخواه

صفحه ۵

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

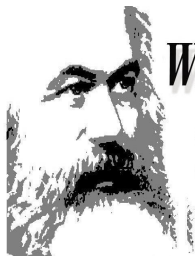
صفحه ۶

تصاویری از

اول مه

صفحات

۱۰ و ۹



WE STILL NEED **MARX**
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۶۳

جمعه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۷، ۱۱ مه ۲۰۱۸

بازتاب هفته

* تلگرام هراسی حکومت از چیست؟

* مارکس و جوانان

* دستگیری مجدد یکی از دختران خیابان انقلاب

صفحه ۷

دستگیری فعال کارگری آرمین شریفی

در سنج

صفحه ۲

اعتصاب و اعتراض در شهر بانه ادامه دارد

صفحه ۸

صادق زیبا کلام خلع سلاح شد!

اطلاعیه مطبوعاتی شماره یک کمپین علیه جایزه دوپچه وله به صادق زیبا کلام

صفحه ۸

عذرا آدمی کمونیست پیگیر و

خستگی ناپذیر درگذشت

صفحه ۲

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس جدید تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 12073
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 7/8

معلمان دست به اعتصاب و تجمع سراسری زدند

امروز ۲۰ اردیبهشت معلمان طبق فراخوان از قبل، دست به تجمع سراسری در تهران و در شهرهای مختلف زدند و به وضعیت حاکم بر آموزش و پرورش، حقوق های زیر خط فقر، بیحقوقی، تبعیض، مدارس پولی و فقدان آزادی بیان و تشکل و دهها بیحقوقی دیگر اعتراض کردند. در تهران اوباش نیروی انتظامی و لباس شخصی به معلمان حمله کردند و تعدادی را مجروح و تعداد قابل توجهی را دستگیر کردند. در این حمله تعدادی از معلمان مجروح شدند از جمله یکی از معلمان زن با پنجه بوکس یکی از لباس شخصی ها از ناحیه چشم مجروح شد. معلمان جانانه در مقابل سرکوبگران ایستادند. روز ۱۹ اسفند نیز معلمان به فراخوان شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان دست به اعتصاب سراسری زدند و دو ساعت آخر کلاس ها را تعطیل و در مدراس تحصن کردند. این دور جدیدی از مبارزات معلمان است.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی معلمان از قبل فراخوان به تجمع سراسری در روز ۲۰ اردیبهشت داده بود و معلمان در پاسخ به این فراخوان در تهران در مقابل سازمان برنامه و بودجه و در مشهد، بجنورد، کرمانشاه، شیراز، اصفهان، خرم آباد، الیگودرز، بوشهر، تبریز، نورآباد ماسنی، سقز، زیویه (سقز)، مریوان، قروه، دیواندره، اراک، قزوین، ساری، شهرضا، سنندج، خمینی شهر و تعدادی از شهرهای دیگر در مقابل ساختمان آموزش و پرورش دست به تجمع زدند. معلمان پلاکاردهای متعددی حاوی خواست ها و اعتراضاتشان در دست داشتند، شعار دادند و بر خواست های عادلانه خود تاکید کردند.

در تهران موقعی که به تجمع معلمان حمله شد، معلمان فریاد میزدند پلیس برو دزد رو بگیر. معلمان حلقه زدند، اوباش را هو کردند و مانع دستگیری برخی دیگر از همکاران خود شدند. معلمان مریوان در عکس العمل به سرکوب معلمان تهران، تجمع خود را تا ساعت ۱ بعدازظهر تمدید کردند و با شعار و سخنرانی و پلاکاردی که بلافاصله در دست گرفتند از

همکاران خود در تهران حمایت کردند، حمله به آنها را محکوم کردند و خواهان آزادی فوری معلمان بازداشتی شدند. در مریوان تعداد قابل توجهی از مردم نیز به تجمع معلمان پیوستند. طبق گزارشی که به حزب رسیده است محمد حبیبی، علی پیروز، علی زولفی، محمد حسن پوره، محمد تقی فلاحی و دو معلم شهرستانی از جمله معلمان دستگیر شده در تهران هستند. گفته میشود حداقل ۱۵ نفر از معلمان در تهران دستگیر شده اند.

معلمان خواهان حقوق بالاتر از خط فقر، آزادی معلمان زندانی، حق تشکل، تحصیل رایگان برای کودکان، رفع هر گونه تبعیض در آموزش و پرورش، بیمه کارآمد، امنیت شغلی برای معلمان حق التدریس و پیش دستیانی و خواست های متعدد دیگر هستند.

اعتصاب و تجمع سراسری معلمان در شرایط کنونی یک رویداد مهم سیاسی است. خواست های معلمان نیز خواست های کارگران و کلیه مردم معترض است. تحصیل رایگان تا آزادی تشکل و آزادی معلمان زندانی و دستمزد بالاتر از خط فقر و پایان دادن به تبعیض و بیحقوقی خواست همه مردم است. اعتصابات و تجمعات سراسری را باید هرچه بیشتر گسترش داد. معلمان پیشقراول اعتصابات و اعتراضات سراسری هستند و شایسته حمایت گرم مردم میباشند.

معلمان زندانی و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. سرکوبگران، آمرین و عاملین سرکوب و ضرب و شتم معلمان باید به محاکمه کشیده شوند. تحصیل باید تماماً رایگان شود و حقوق کارگر و معلم و پرستار و سایر زحمتکشان باید به بالاتر از خط فقر افزایش یابد.

زنده باد اتحاد معلمان

پیش به سوی اعتصابات و اعتراضات سراسری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷، ۱۰ مه ۲۰۱۸



عذرا آدمی کمونیست پیگیر و خستگی ناپذیر درگذشت

متأسفانه امروز ۵ مه عذرا آدمی عزیز (آباجی)، کمونیست پیگیر و محبوب، در سن ۹۴ سالگی درگذشت. زن مبارز و پیشروی که به آرمانش، رهایی مردم از فقر و نابرابری بیحقوقی و استثمار همواره وفادار بود.

درگذشت عذرا آدمی عزیز را به بستگان و همزمانش صمیمانه تسلیت میگوییم.

یاد عزیزش همیشه در قلب ما زنده خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ مه ۲۰۱۸

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

کمپته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران دستگیری فعالین کارگری آرمین شریفی و یدالله صمدی را قویاً محکوم میکند و خواهان لغو کامل هر نوع اتهامی به آنها و بسته شدن این پرونده و سایر پرونده هایی است که برای فعالین اول مه ساخته شده است.

دستگیر شدگان مراسمهای روز جهانی کارگر فوراً باید آزاد شوند! آرمین شریفی یدالله صمدی فوراً باید آزاد شوند.

کمپته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷
۱۰ می ۲۰۱۸

نزدیک به پنج سال افزایش دستمزد ندارند و امثال در روز جهانی کارگر نمایندگان خباز سنندج یدی صمدی و امیر شهابی را در منزل بازداشت کرده و ما جمعی از کارگران خباز سطح شهر سنندج، از مردم و فعالین کارگری در ایران و کردستان میخواهیم صدای این دو نماینده دستگیر شده یدی صمدی و امیر شهابی باشند

جمعی از کارگران سطح شهر سنندج و حومه.

دستگیری فعالین کارگری به بهانه شرکت در مراسم های روز کارگر توسط حکومت هار اسلامی نشانه ای بارز از ترس و وحشت این رژیم از کارگران و مردم است.

بازداشت غیره قانونی نمایندگان منتخب و دلسوز کارگران خباز سنندج و حومه میگذرد و از سرنوشتشان خبری نیست فقط چند بار با خانواده هایشان تماس گرفتن. همان گونه میدانید یدی صمدی مریض و نیاز به درمان فوری دارد. نمایندگان خباز سنندج یدی صمدی و امیر شهابی صدای چهار هزار کارگر شهر سنندج و خانواده های این کارگران هستند. این نمایندگان فقط مشکلات و دغدغه روز مره صنف خود را منعکس کردن مشکلاتی از جمله دستمزد کم، مسایل سخت و زیان آور کار در محیط کارگری که کارگر نانوايي با آن روبه رو هست کارگران نانوايي

دستگیری فعال کارگری آرمین شریفی در سنندج یدالله صمدی هنوز در زندان است

کارگری به اتهامات واهی مشارکت در برگزاری روز جهانی کارگر بازداشت شده اند.

یدالله صمدی و امیر شهابی ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر توسط نیروهای لباس شخصی وزارت اطلاعات در سنندج دستگیر شدند.

جمعی از کارگران خباز سنندج با انتشار نامه ای در مورد یدی صمدی نوشته اند؛

از طرف جمعی از کارگران خباز مردم شریف ایران و کردستان و شهر سنندج تا امروز نزدیک ده روز از

در ادامه بازداشت فعالان کارگری در سنندج، سه شنبه ۱۸ اردیبهشت، فعال کارگری آرمین شریفی عضو سندیکای کارگران فصلی و ساختمانی سنندج، پس از احضار به اداره اطلاعات این شهر بازداشت، و به مکان نامعلومی منتقل شده است.

لازم به ذکر است که، تا کنون از اتهامات وارده و نحوه نگهداری وی، اطلاع دقیقی در دست نیست.

در همین راستا، طی روزهای اخیر نیز چند تن دیگر از فعالان

خروج آمریکا از برجام و پیامدهای آن

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوائی

از صفحه ۱

اینها نکات و مواضع رسمی و اعلام شده ترامپ است. اما کنه مساله در يك سطح سیاسی و پایه ای تر و فراتر از این اعلام موضعهای رسمی اینست که دولت آمریکا میخواهد بلوک دیگری را، مشخصا امارات و عربستان و اسرائیل را که در مخالفت با جمهوری اسلامی فصل مشترک دارند و بیکدیگر نزدیک هستند، در برابر بلوک روسیه- سوریه- جمهوری اسلامی تقویت کند. ترامپ از بد ریاست جمهوری اش رابطه بسیار نزدیکی با عربستان برقرار کرد و ترویس اسلام را تنها به جمهوری اسلامی و متحدینش در منطقه محدود کرد. این سیاستی است که ترامپ دنبال میکند با این هدف که به نوعی موقعیت از دست رفته آمریکا در منطقه را احیا کند. مشکل دولت آمریکا اینست که در سالهای اخیر موقعیتش در خاورمیانه را به نفع روسیه از دست داده است و با اعمال فشار به جمهوری اسلامی میخواهد در برابر بلوک روسیه قدرتمانی کند. در این چارچوب خروج از برجام اقدام مشخصی است برای تقویت سیاستهای منطقه ای آمریکا در برابر بلوک رقیب.

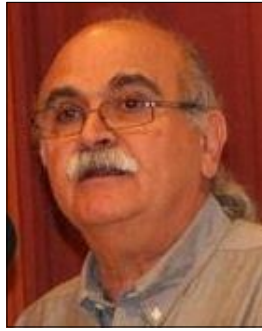
کیوان جاوید: آیا هیچ حقیقتی در حرفهای ترامپ نیست مبنی بر اینکه جمهوری اسلامی منطقه را نا امن کرده است و آزمایش موشکهای بالستیک و فعالیتهای نظامی جمهوری اسلامی در سوریه و یمن و غیره همچنان ادامه دارد و غیره؟ آیا اینها به ترامپ حق نمیدهد که از برجام خارج بشود؟

حمید تقوائی: همه این نوع فعالیتهای جمهوری اسلامی از قبل بوده و هنوز هم ادامه دارد و همه شرکای اروپایی و امضا کنندگان برجام هم آنها را میدانند. منتهی برجام بر سر این نوع فعالیتها نیست. برجام قرارداد معینی است بر سر پروژه هسته ای جمهوری اسلامی. معامله ای انجام گرفت بر

سر اینکه جمهوری اسلامی پروژه هسته ای اش را متوقف کند و در مقابل آمریکا و دولتهای غربی تحریمهایی که به این خاطر اعمال میشد را لغو کنند. این امر صورت گرفت. الان موضع و صحبت دول اروپایی اینست که برجام در مورد فعالیتهای موشکی و یا سیاستهای منطقه ای جمهوری اسلامی نبوده است. آنها میپرسند آیا اصولا میشود قرار دادی بر سر این مسائل داشت؟ و اگر میشود آن قرار داد کدامست؟ بحث دیگر امضا کنندگان برجام اینست که چه آلترناتیو دیگر یا باصطلاح "نقشه ب" ای وجود دارد؟ دولت آمریکا طرح معینی در این رابطه ندارد و بهمین خاطر شرکای اروپایی اش معتقدند برجام در چهارچوب تعریف شده موفق بوده است و باید ادامه پیدا کند.

کیوان جاوید: ولی توجه بکنید که جمهوری اسلامی با برجام به این موقعیت رسید و توانست با حجم زیادی از سرمایه ها که بدستش رسید، با دوبرابر شدن فروش نفت و برطرف شدن بخش زیادی از تحریمهای بانکی و غیره این موقعیت را در منطقه پیدا کند و سعی کند قدرتمانی بکند و منطقه را نا امن بکند. آیا فکر نمیکنید همین اقدام دولت آمریکا باعث میشود جمهوری اسلامی از نظر سیاسی و اقتصادی ضعیف تر بشود؟

حمید تقوائی: بخش دوم سؤال شما بحث دیگری است که به آن خواهم پرداخت ولی در این مورد که جمهوری اسلامی بخاطر برجام این موقعیت را در منطقه پیدا کرده است، به نظر من بهیچ وجه اینطور نیست. مدتها قبل از برجام جمهوری اسلامی اعمال نفوذ و سیاستهای منطقه ای و حمایت از نیروهای تروریست اسلامی را شروع کرد بود. اتفاقا قبل از برجام جمهوری اسلامی یکه تازی بیشتری در منطقه داشت. مثلا در دوره مالکی در عراق مقتدی صدر و دار دسته های دیگر شیعی بعنوان



اهرمهای جمهوری اسلامی عمل میکردند و امروز اینطور نیست. یا حمایت رژیم از حافظ اسد و از حزب الله و غیره هیچکدام با برجام شروع نشد و با ختم برجام هم تمام نمیشود. باید توجه داشت که فعالیتهای جمهوری اسلامی در منطقه بعنوان یکی از محورهای تروریسم و جنبش اسلام سیاسی يك امر هویتی و استراتژیک رژیم است. این امر به برجام و تحریمها و توان مالی حکومت و فاکتورهای اقتصادی ای از این قبیل ربط چندانی ندارد. جمهوری اسلامی قبل از برجام در منطقه موقعیت قویتر و محکم تری داشت. این رابطه بین برجام و فعالیتهای تروریستی جمهور اسلامی بحث و استدلالی است که ترامپ مطرح میکند اما بطور واقعی برجام فاکتور مهمی در سیاستهای منطقه ای جمهوری اسلامی نبوده است.

اما در مورد بخش دوم سؤال شما که آیا برجام باعث تضعیف سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی خواهد شد پاسخ مثبت است. لغو برجام و هر نوع تضعیف برجام موقعیت جمهوری اسلامی را هم تضعیف خواهد کرد. نه از نقطه نظر اقتصادی و بنیه مالی حکومت برای پیشبرد سیاستها منطقه ای اش، بلکه از نظر سیاسی و از نظر استراتژیک و از نظر چشم اندازی که رژیم تلاش میکند برای برون رفت از بحران مرمز و بن بست اقتصادی و سیاسی اش ترسیم کند. از این لحاظ نافرجامی برجام ضربه ای به رژیم خواهد بود. نافرجامی برجام در افکار عمومی و از نظر مردم ایران يك شکست برای جمهوری اسلامی است. با خروج آمریکا آن چشم اندازی که روحانی ترسیم میگردد که گویا با برجام چرخهای اقتصاد براه خواهد افتاد و حکومت وارد تعامل با دنیا خواهد شد و در بازار جهانی موقعیتی پیدا خواهد

کرد و کار ایجاد خواهد شد و غیره و بیش از پیش پوچ و بی اعتبار میشود. ما از همان ابتدا گفتیم برجام چنین نتایجی نخواهد داشت. گفتیم معضل اقتصادی جمهوری اسلامی تحریمها نیست. تحریمها مزید بر علت اند ولی معضل اقتصادی رژیم اساسا ناشی از هویت سیاسی و ایدئولوژیک حکومت و موقعیتش بعنوان يك رکن جنبش اسلام سیاسی است و بحران و بن بست و فلج اقتصادی و سیاسی حکومت در این واقعیت ریشه دارد. بحران حکومت در عرصه اقتصاد و در عرصه سیاست ساختاری و هویتی است و همزاد حکومت است و نهایتا با سرنگونی حکومت حل خواهد شد. خروج آمریکا از برجام این بحران سیاسی- استراتژیک حکومت را تشدید خواهد کرد.

کیوان جاوید: اتحادیه اروپا گفته است اگر ایران به برجام پایبند باشد ما تحریمها را بر نمیداریم و خامنه ای هم گفته است اگر اتحادیه اروپا تضمین بدهد که تحریم نمیکند برجام ادامه پیدا خواهد کرد. آیا این يك موفقیت برای جمهوری اسلامی محسوب نمیشود؟ آیا اتحادیه اروپا نیروی نیست که جمهوری اسلامی بتواند برای ادامه برجام روی آن حساب کند؟

حمید تقوائی: روشن است که برجام قرار دای صرفا بین دولت آمریکا و جمهوری اسلامی نیست. برجام را سه کشور اروپایی و روسیه و چین هم امضا کردند و آنها میخواهند قرارداد را حفظ کنند. ولی بدون آمریکا این کار چندان آسانی نخواهد بود. آمریکا اولا آمریکا قدرت اقتصادی اول جهان است و ثانيا از نظر سیاسی اروپا در منطقه و در برابر روسیه به بلوک آمریکا متعلق است. جنبش اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی بعنوان يك رکن مهم این جنبش اساسا در مقابله با آمریکا و "شیطان بزرگ" شکل گرفته و خود را تعریف کرد است. در منطقه نیز همانطور که بالاتر اشاره کردم، دو بلوک روسیه و آمریکا در رقابت و در برابر هم قرار گرفته اند. از تمام این جنبه ها خروج آمریکا از برجام موازنه و شرایط سیاسی و اقتصادی را کاملا عوض خواهد کرد. و در این

شرایط از نظر سیاسی اروپا نمیتواند از آمریکا دور بشود. توجه کنید که ترامپ از تحریمهای ثانوی هم صحبت کرده و تهدید کرده است که کشورها و یا کمپانی هائی که به نوعی به پروژه هسته ای جمهوری اسلامی کمک کنند نیز شامل تحریمهای آمریکا خواهند شد. این خیلی از سرمایه گذاران اروپایی را که حتی قبل از خروج آمریکا بازار ایران برایشان چندان جذاب نبود محتاط تر و دست به عصا تر میکند.

واقعیت اینست که جمهوری اسلامی از نظر اقتصادی کاملا ورشکسته است. حتی اگر آمریکا هم در برجام باقی میماند و کشورهای دیگر هم به آن می پیوستند وضعیت اقتصادی جمهوری اسلامی بهبود چندانی پیدا نمیکرد. وضع اقتصادی جمهوری اسلامی در همین مدت بعد از انعقاد برجام روز بروز بدتر شده است و الان با خروج آمریکا حتی از این هم بمراتب وخیم تر خواهد شد. ممکن است اروپا در برجام باقی بماند ولی این به باز شدن گره کور بحران و ورشکستگی اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی کمکی نخواهد کرد. فراموش نکنید که خامنه ای و کل حکومتش ناگزیر به مذاکره و امضای برجام شدند چون از نظر اقتصادی سرشان به سنگ خورده بود و کاملا فلج شده بودند. این فلج اقتصادی همچنان ادامه دارد و با خروج آمریکا بدتر هم خواهد شد.

کیوان جاوید: خزانه داری آمریکا فوراً مجوز فروش بونینگ و ایرباس به ایران را لغو کرد. و تحریمهای بیشتر هم در راه است. آیا شما این را بفال نیک نمیگیرید؟ اینک جمهوری اسلامی بیشتر از نظر اقتصادی تحریم بشود و تحت فشار سیاسی بیشتر قرار بگیرد آیا مثبت نیست؟ نظرتان در این رابطه چیست؟

حمید تقوائی: سیاست اعلام شده حزب ما اینست که همه دولتها روابط خودشان را با جمهوری اسلامی قطع کنند. ما خواستار بایکوت کامل جمهوری اسلامی در سطح جهانی هستیم. ولی تا آنجا

از صفحه ۳

که به برجام و تحریمهای اقتصادی مربوط میشود این یک تیغ دولبه است. بهای تحریمهای اقتصادی را توده مردم پرداخت میکنند. تجدید تحریمها باعث خواهد شد تورم و گرانی و کمبود مایحتاج اولیه مردم بمراتب تشدید بشود و فشار بیشتری بر زندگی مردمی که فی الحال در شرایط زیر خط فقر زندگی وارد شود. در همین مدت کوتاه بعد از اعلام خروج آمریکا از برجام، دلار نزدیک به هزار تومان گرانتر شد. این روند سقوط رال ادامه خواهد داشت و این یعنی سقوط سطح زندگی بخور و نمیر توده مردم. به این دلایل ما شدیداً با تحریم اقتصادی کالاهای مورد نیاز مردم مخالف هستیم.

اما تحریمها تنها یک وجه برجام است. برجام را حتی تنها یک امر اقتصادی نباید دید. برجام از جانب جمهوری اسلامی و مشخصاً دولت روحانی به عنوان یک راه برون رفت از شرایط بحرانی حکومت و راه بازگشت جمهوری اسلامی به صحنه سیاست و بازار جهانی و "تعامل" با غرب و غیره و غیره معرفی میشود. اما برجام عملاً برای جمهوری اسلامی چنین نتایجی در بر نداشته است و امروز با خروج آمریکا جمهوری اسلامی در سطح ادعا و سیاست رسمی و تبلیغات هم دست را باخته است و این قبل از هرچیز یک ضربه سیاسی به حکومت است.

کیوان جاوید: آیا میشود گفت که خروج آمریکا و از سرگیری تحریمها گرچه از نظر گرانی و کمبود مایحتاج مردم یک امر منفی است ولی میتواند منفعتهایی برای مبارزه مردم داشته باشد؟

حمید تقوائی: لغو و حتی تضعیف برجام را هم به دلایلی که توضیح دادم موجب تضعیف حکومت خواهد شد. این فاکتور بخصوص در دل شرایط متحولی که بعد از خیزش دیماه ایجاد شده میتواند به تعرض بیشتر مردم منجر شود. اما مبارزه و اعتراض مردم اساساً برسر مسائل پایه ای صورت میگیرد که ربط چندانی به برجام و سرنوشت آن ندارد. تا آنجا که به کلیت برجام

مربوط میشود بحث ما همیشه این بوده است که مشکل اقتصادی و بحران سیاسی حکومت با برجام برطرف نخواهد شد و حتی تخفیف هم پیدا نخواهد کرد و عملاً هم همین اتفاق افتاد. فراموش نکنیم وقتی خیزش دیماه اتفاق افتاد نزدیک به دو سال و نیم از برجام میگذشت و با این حال وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم چنان وخیم و غیر قابل تحمل شده بود که مردم با شعار مرگ بر گرانی و مرگ بر بیکاری و "حقوقهای نجومی فلاکت عمومی" به خیابانها ریختند. برجام به وضعیت اقتصادی مردم ربطی ندارد. حتی اگر برجام به گشایش اقتصادی و رشد سرمایه گذارها منجر میشد تازه دوره سفت کردن کمریندها و بیشتر کار کنید و کمتر بخواهید و پیاده کردن شدیدتر سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی فرا میرسید. سرمایه دارها بخاطر گل روی این و آن و یا بخاطر دیپلماسی منطقه ای و غیره در ایران سرمایه گذاری نخواهند کرد. هدف و انگیزه آنها سودآوری بیشتر است و به این منظور باید کارگر "آرزان و خاموش" را به کار بکشند. "گشایش اقتصادی" حکومت بجز ریاضت کشی شدیدتر و تسمه کشیدن از کرده طبقه کارگری معنائی نخواهد داشت.

این موضع ما در قبال برجام است. برجام هر سرنوشتی پیدا کند بحران اقتصادی و سیاسی جمهوری اسلامی ادامه خواهد داشت و شدید تر هم خواهد شد. این گره تنها میتواند بدست مردم باز بشود.

کیوان جاوید: اپوزیسیون راست، سلطنت طلبها و مجاهدین، از تصمیم ترامپ استقبال کردند و خروج آمریکا را جشن گرفتند. نظرتان درباره این بخش از اپوزیسیون چیست؟

حمید تقوائی: این بخش از اپوزیسیون درست برعکس آنچه توضیح دادم عمل میکنند. یعنی تمام استراتژی اش بر سیاستها و موضعگیرهای دولت آمریکا در رابطه با جمهوری اسلامی بنا شده است. راست، روی دولت آمریکا حساب باز کرده است و فضای سیاسی و میدان فعالیتها و تحرکاتش دالانهای قدرت و

پارلمانها و لابی ها و غیره است. از مجاهد تا سلطنت طلبها تا طیف های دیگر راست همیشه به دولت آمریکا و کشمکش اش با جمهوری اسلامی متکی بوده اند. از نظر آنها حرکات اعتراضی و مبارزات و انقلاب مردم، هرج و مرج و آشوب و شورش "بی سرو پاها" محسوب میشود. از نظر استراتژیک انقلاب را فاجعه میدانند، مدام مردم را برای انقلاب ۵۷ سرزنش میکنند و از انقلاب بعدی میترسانند. تلاش آنها اینست که به نوعی با استفاده از مکانیسمهای معماری قدرت از بالا دستشان بجائی بند بشود. این جزئی از ایدئولوژی و هویت سیاسی و استراتژی آنها است.

خیزش دیماه و حرکتی که امروز در خیابانها می بینید کاملاً نقطه مقابل این استراتژی است. مردم میخواهند حکومت را بزیر بکشند. انقلاب و سرنوشتی حکومت در دستور جامعه قرار گرفته و در این میان مساله برجام و موضع ترامپ و اروپا و غیره همه جنبه فرعی پیدا کرده است. آنچه ما به مردم میگوئیم اینست که اگر آمریکا تحریمها را تشدید کند و حتی دست به حمله نظامی بزند محور و مسئول این وضعیت حکومت جمهوری اسلامی است که با سیاستهای فوق ارتجاعی اش چنین وضعیتی را ایجاد کرده است. برای حل این مسائل باید انقلاب کرد و جمهوری اسلامی را بزیر کشید. راه حل حرکات اعتراضی و انقلاب مردم است برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی.

کیوان جاوید: به این موضوع هم خواهیم پرداخت. اینجا میخواهم این سؤال را مطرح کنم که برسر جناحهای جمهوری اسلامی چه خواهد آمد؟ آیا به هم نزدیکتر خواهند شد و یا دورتر؟ چه اتفاقی میافتد؟

حمید تقوائی: اولین نکته اینست که همه جناحها میخواهند که برجام ادامه پیدا کند. این را هم روحانی اعلام کرد و هم خامنه ای. روحانی گفت برای ادامه برجام باید صبر کرد و دید تاثیرات خروج آمریکا چیست اما خامنه ای حتی این تردید را هم نداشت. او گفت برجام باید ادامه پیدا کند و تنها به گرفتن تعهدات عملی بیشتر از

کشورهای اروپایی برای ادامه برجام تاکید کرد. اینها ناگزیرند این موضع را داشته باشند چون به ادامه برجام شدیداً نیاز دارند. البته عده ای در مجلس پرچم آمریکا را آتش زدند و شعار مرگ بر آمریکا سر دادند و برخی از سران سپاه خواستار خروج از برجام شدند ولی موضع روحانی و خامنه ای این نبود چون راه دیگری برای سامان دادن به اقتصاد فروپاشیده شان ندارند.

با این همه دعواها و کشمکشها بر سر برجام بالا خواهد گرفت اساساً به این دلیل که مردم اینها را به لرزه مرگ انداخته اند. میدانید که گفتمان اصلی حکومتی ها در این روزها چشم انداز سقوط و سرنوشتی است. همین هفته پیش یکی از این مقامات گفت مردم ما را به دریا خواهند ریخت. مدام از طوفانی که در راه است صحبت میکنند و برای "نجات نظام" نسخه هایی می پیچند که هیچکس به عملی بودنش باور ندارد. بر متن این شرایط مساله خروج آمریکا و ابهام در سرنوشت برجام به موضوع تازه ای برای کشمکش جناحها و سرزنش یکدیگر در ایجاد این وضعیت بدل خواهد شد.

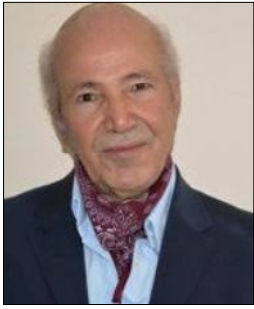
کیوان جاوید: آیا خروج آمریکا بهانه ای بدست رژیم نمیدهد که نیروی نظامی اش را بمیدان بیاورد و مبارزات مردم را سرکوب کند؟

حمید تقوائی: اولاً رژیم برای سرکوب احتیاجی به بهانه ندارد. و ثانیاً آمریکا ستیزی و بهانه مقابله با شیطان بزرگ چنان رسوا و نخ نما شده است که حتی جناحهای حکومتی را هم یکدست و به خط نمیکند. مردم فی الحال در خیابانها شعار داده اند که "دشمن ما همین جاست الکی میگویند آمریکا است". بنابراین کار رژیم از این حرفها گذشته است. از این که دوباره بر طبل آمریکا ستیزی بکوبد و بعد به این بهانه شروع کند به سرکوب. این اسلحه مقابله با "شیطان بزرگ" مدهاست کاربردش را از دست داده است. بخصوص امروز که مردم با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم بپا خاسته اند با این نوع ترندها نمیشود این جنبش را به عقب راند. دور تازه ای در سیاست ایران شروع شده است.

دیماه نقطه عطفی در شرایط سیاسی ایران بود و این دوره عطف مسله سرنوشتی حکومت را به محور و مساله اصلی جامعه تبدیل کرد. سرنوشتی بقدرت انقلاب مردم و بقدرت خیابان و نه به لطف رژیم چنج و حمله نظامی و یا تحریم اقتصادی. با برجام و یا بدون برجام. مردم از این مسائل عبور کرده اند و شعار میدهند دشمن ما همین جا است.

کیوان جاوید: آیا همین موقعیت قدرت راست را در جامعه بیشتر نمیکند؟

حمید تقوائی: بهیچوجه. روشن است که در شرایط انقلاب همه "انقلاب پناه" میشوند. حتی بخشی از خود حکومت! الان احمدی نژاد هم علیه سیستم حرفهای خیلی تندی میزند. خیلی از سرسپردگان حکومت و حتی پیروان دیروزی خامنه ای میخواهند شورای نجات ملی تشکیل بدهند که از احمدی نژاد تا رضا پهلوی را در بر بگیرد. خیابان نیروهای راست را به تکاپو واداشته است. دوزخدای ها اساساً برای نجات خودشان و سابقه ساختن برای خودشان که فردا به دریا ریخته نشوند و سطنت طلبها بمنظور اینکه از تعمیق و پیشروی انقلاب جلوگیری کند. همانطور که بالاتر گفتم از نظر ایدئولوژیک و استراتژیک اپوزیسیون راست مخالف انقلاب است. میخواستند در برابر خشم و تعرض مردم این سیستم را با حداقل تغییرات حفظ کنند. اینها منتظرند که مثلاً خامنه ای کنار بکشد و اعلام کنند پیروز شدیم و مردم را بخانه بفرستند. یا تلاش کنند فراندوم را بجای انقلاب بنشانند کما اینکه این تلاش را هم کردند و بجائی نرسید. سیاست اینها دنبال کردن سناریوهائی است که با تغییر و تحول از بالای سر مردم، اساس و مبانی نظام حاکم را دست نخورده باقی بگذارد. اینها میخواهند بر بالهای آمریکا، با اتکا بقدرت نظامی و اقتصادی آمریکا، بقدرت برسند و خیابان را جمع کنند. بنا براین وقتی مثل امروز توده مردم بپا میخیزند و افق انقلاب در جامعه پدیدار میشود شرایط از



چشم انداز سرنگونی و وحشت دوخردادها

کاظم نیکخواه

جمهوری اسلامی همچنان در وحشت از کابوس خیزش دیماه دارد دست و پا میزند. خیزش دی ماه فعلا فروکش کرده است اما ترکشهایش نظام حاکم را در وحشت دائم مرگ فرو برده است. همه شان از سرنگونی و براندازی سخن میگویند، چون هر روز دارند در سیمای جامعه رشد و تعمیق سرنگونی طلبی را می بینند و برخورد میلرزند. در همین راستا دوخردادها با استفاده از این وضعیت به وسوسه افتاده اند که به صحنه سیاسی بازگردند و نشان دهند که میتوانند حکومت بحران زده شان را نجات دهند. محمد خاتمی که مدتها بود چندان صدایش در نمی آمد این هفته در سخنانی در میان تعدادی از زنان "جمعیت زنان مسلمان نواندیش" (اینهم از آن اسمهاست!) مستقیما خود را ضد مردم سرنگونی طلب معرفی کرد و گفت "اصلاحات ضد براندازی است" و با این گفته در واقع به خامنه ای پیام داد که از ابزار دوم خرداد برای نجات حکومت استفاده کند. او ادامه داد "بیرونی ها احساس می کنند تا جریان اصلاحات هست که طرفدار ثبات و مخالف دخالت بیگانه است، راهی برای براندازها نخواهد بود بنابراین به شدت می کوبند و در داخل هم اتفاقا گروههایی می گویند این اصلاحات موی دماغ ماست و باید اینها را بزیم". او خطاب به جوانان مسلمان یا همان حزب الهی های روحیه باخته گفت "تسلیم" پمپاژ یأس و ناامیدی «که شما را» هدف گرفته «است، نشود!

خاتمی در واقع پیامش اینست که میتواند یک بار دیگر نقش ناجی حکومت اسلامی در برابر مردم سرنگونی طلب را بازی کند و به نفع حکومت است که او را مجددا به بازی بگیرد. به ایشان باید گفت که می بخشید اما هیچ انسان عاقلی دوبار از یک سوراخ گزیده نمیشود. تقلائی خاتمی برای نجات حکومت فقط به او محدود نمیشود. در واقع همه دوخردادها حتی آنها که به طیف سرنگونی طلب پیوسته بودند، با مشاهده چشم انداز سرنگونی حکومتشان به وحشت افتاده اند و تلاش میکنند بعنوان ناجی حکومت خود را معرفی کنند. شیرین عبادی یکی از آنهاست که میگوید "دیگر اصلاح طلب نیست" اما از انقلاب مردم وحشت کرده است و تلاش دارد راهی برای حفظ حکومت اسلامی بیابد. او در مصاحبه ای با سایت زیتون وحشت خود از سرنگونی را اینگونه بیان میکند. "این را همه می دانند که در خاورمیانه جا انداختن یک سیستم دموکراتیک کار ساده ای نیست و به همین دلیل باید فکر کنیم خطر فروپاشی ایران به قدری نگران کننده است که نباید سکوت کرد..." و ادامه میدهد "من معتقدم اگر فروپاشی این سیستم خودبه خودی و بدون جایگزین و بدون هیچ هماهنگی باشد این می تواند منجر به فروپاشی کشور ایران شود. و این یعنی هرج و مرج که در شرایط فعلی خاورمیانه باید از آن اجتناب کرد. وقتی حکومت مرکزی جاننشین نداشته باشد این فروپاشی کشور است... دقیقا بر اساس همین نگرانی بود که من و ۱۴ نفر دیگر

بناگرانی مشترک از یک آینده هولناک، بیانیهای را منتشر کردیم تا شاید بتوان کشور را نجات داد" قبلا نیز سعید حجاریان و زیبا کلام و بقیه دوخردادها با مشاهده چشم انداز سرنگونی حکومت، تلاش کردند اولا تصویر سیاهی از سرنگونی و انقلاب مردم تصویر کنند و بعد راه حلهای خود برای حفظ نظام کثیف اسلامی را جا بیندازند.

تلاش دو خردادها برای بازگشت به قدرت برای حفظ حکومت قابل فهم است. اینها خاصیتشان از اول همین بوده است. که نظام اسلامی را حفظ کنند. اینها بهیچوجه اصلاح طلب نیستند. بلکه از اول بعنوان سویاپ اطمینان حکومت شکل گرفتند. الان هم دارند به سران حکومت پیام میدهند که الان نوبت ماست که کاری بکنیم. میتوان تصور کرد که در مسیر سرنگونی حکومت ایستگاههایی نظیر جلو کشیدن مهره های سوخته دوخردادی را نیز شاهد باشیم. اما تردیدی نباید داشت که بقول مردم تظاهر کننده "اصلاح طلب اصول گرا دیگه توموه ما چرا". مردمی که عزم کرده اند حکومت را به زیر بکشند، فریب این نوع بازی ها را نخواهند خورد. شیرین عبادی و حجاریان و خاتمی و امثالهم حق دارند در وحشت انقلاب و براندازی مدام برخورد بلرزند. اما کل وضعیت سیاسی جامعه بیانگر اینست که دوره عبور از این حکومت آغاز شده و با هیچ تردندی نمیتوان این روند را متوقف کرد. *

از صفحه ۴

مه قدرتمندی اش را دیدیم، نیروی زنان است که به جنبش دختران خیابان انقلاب شکل داده اند، و کلا نیروی بخشهای مختلف جامعه است که بمیدان آمده اند و اعلام کرده اند جمهوری اسلامی باید برود. این حرف جامعه است و این به گوش همه رسیده است.

راه ما این هست. ما این راه را تقویت میکنیم. ما این راه را سازمان میدهم. و تلاش میکنیم به سرانجام برسانیم. در چنین شرایط خیلی بیشتر از گذشته ارتباطات و دیپلماسی و روابط بین دولتها، رابطه رژیم با آمریکا و یا موقعیت منطقه ای جمهوری اسلامی و سرنوشت برجام و غیره و غیره حاشیه ای میشود و برعکس نیروی اعتراضات مردم تعیین کننده میشود. مردم باید این را ببینند. قدرت خودشان را در دل تحولات جاری باز بشناسند و بیش از پیش بر قدرت تشکل و مبارزه و اعتراض خودشان متکی بشوند.

این را مردم باید بدانند که تا وقتی جمهوری اسلامی هست تهدید تحریم اقتصادی و خطر جنگ و غیره و غیره هم هست. مردم ایران نمیتوانند علیه ترامپ انقلاب کنند. ترامپ فاشیستی است که مردم آمریکا باید تکلیفش را یکسر کنند. کار مردم ایران رهائی از شر فاشیست دیگری است. مردم ایران میتوانند و عزم جزم کرده اند که جمهوری اسلامی را زیر بکشند. وقتی این اتفاق بیفتد تاثیرات مثبت و زیر و رو کننده ای بر شرایط منطقه و بر تمام دنیا خواهد داشت. این امر ما است، این امر حزب کمونیست کارگری ایران است، این امر طبقه کارگر ایران است که بقدرت انقلاب جمهوری اسلامی را زیر بکشند و برای همیشه به این بحرانهای پیاپی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نقطه پایان بگذارند. *

نظر سیاسی و اجتماعی نه برای نیروهای راست، بلکه برای نیروهای چپ و انقلابی نظیر حزب کمونیست کارگری مساعد میشود. یعنی حزبی که همواره و در زمانی که همه انقلاب پناه های امروزی خواهان استحاله و یا رژیم چنچ و حمله نظامی و معماری قدرت از بالا بودند پرچم انقلاب را برافراشته و مدام تاکید کرده است که مردم باید و میتوانند با اتکا بقدرت خودشان جمهوری اسلامی را زیر بکشند و به خواستهای برحقشان برسند. امروز دوره، دوره شکفتگی و رشد کمونیستهای انقلابی هست و نه نیروهای راستی که از نظر ایدئولوژیک و استراتژیک با انقلاب مخالف بوده اند و هنوز هم هستند.

کیوان جاوید: بعنوان آخرین سوال، راه سوم در برابر برجام آری و یا نه چیست؟ راهی که در دل این اوضاع شما به مردم پیشنهاد میکنید کدامست؟

حمید تقوایی: راه پیشنهادی من راه سوم نیست، راه اول است: راه انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی. این دارد اتفاق می افتد و دارد در برابر چشمان ما شکل میگیرد. این فاکتور فضای سیاسی امروز را ساخته است. چشم انداز انقلاب و سقوط قریب الوقوع حکومت است که در چند ماه اخیر مهر خود را بر شرایط سیاسی ایران زده است. حتی موضعگیریهای حکومتی ها و دولتهای دیگر هم متأثر از این شرایط است و نه برعکس. آنها هستند که حاشیه ای میکنند یا نوعی معماری قدرت از بالا وضعیت را به نفع خودشان عوض کنند. امروز آنکه حرف آخر را میزند، آن عاملی که تعیین کننده است، نیروی خیابان است. نیروی طبقه کارگر است که در اول

www.wpiran.org

fb.com/wpiran/

www.anternasional.com

تراکت های حزب کمونیست کارگری ایران
را تکثیر و وسیعا پخش کنید

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



کار، آزادی، آموزش رهایی، نوبخت بطحایی استعفا استعفا و معلم زندانی آزاد باید گردد توجه ها را به خود جلب می‌کرد. اعتراضات معلمان ادامه دارد و یک خواست فوری آنها آزادی بازداشت شدگان تجمع ۲۰ اردیبهشت و نیز معلمان زندان اسماعیل عبدی، محمود بهشتی و مختار اسدی است که از قبل در بازداشت بسر می‌برند.

معلمان یک بخش معترض جامعه هستند که در مبارزات تا کنونی شان الگوهای خوبی از سازمانیابی توده ای در گروههای مدیای اجتماعی و سازماندهی اعتراضات سراسری در مقابل کارگران و کل جامعه گذاشته و راه نشان داده اند. معلمان همچنین در اعتراضاتشان با خواستهایی چون خواست افزایش حقوقها به بالای خط فقر، تحصیل رایگان برای همه، درمان رایگان برای همگان، ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن و در اعتراض به فقر، تبعیض و نابرابری و حقوق های نجومی و اختلاس ها، نقش مهمی در جلو آورد گفتن های رادیکال و چپ کارگری در سطح جامعه داشته اند. از جمله شعرهایی چون معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، نماینده ۶۰ میلیون حقوق ما یک میلیون در تاریخ مبارزات معلمان ثبت شده است و اینها شعرهاییست که کل بساط تبعیض و نابرابری سرمایه داری حاکم را به چالش کشیده و صدای اعتراض کل جامعه است. معلمان با چنین شعرها و خواستهایی توانسته اند، جریانات سازشکار و راست را از سر مبارزاتشان کنار بزنند. از مبارزات معلمان وسیعا حمایت کنیم.

رژیمی که کارگران را بخاطر مبارزاتشان زندانی میکند، جایی در سازمان جهانی کار ندارد

اجلاس جهانی سازمان جهانی کار نزدیک است و یک موضوع اعتراض هر ساله کارگران در ایران، اعتراض علیه حضور هیات جمهوری

اعتصاب و تجمع سراسری معلمان در شرایط کنونی یک اتفاق مهم سیاسی است. درست یک روز بعد از هیاو بر سر سیاست آمریکا و برجام، این اعتراضات نشان داد که با برجام و بی برجام، مردم حق و حقوقشان را میخواهند. در تجمع معلمان در تهران حضور نیروی انتظامی چشمگیر بود. آنها به صف معلمان وحشیانه حمله کردند، اما معلمان جانانه ایستادند و با شعار پلیس برو دزد رو بیگیر، فریاد، فریاد، از اینهمه بیاد با نیروی انتظامی مقابله کردند. در این تجمع گفته میشود پانزده نفری از جمله محمد حبیبی، علی زولفی، محمد حسن پوره، محمد تقی فلاحی، رسول بداقی، عالیبه اقدام دوست و گرمای بازداشت شدند که بنا بر آخرین خبر محمد حسن پوره آزاد شد. نکته جالب اینکه بلافاصله بعد از پخش خبر این دستگیری ها معلمان در مریوان که در مقابل آموزش و پرورش این شهر تجمع داشتند، یکساعت تجمع خود را در حمایت از معلمان بازداشتی تمديد کردند و شعار معلم زندانی آزاد باید گردد سر دادند. در این روز علاوه بر تهران معلمان در شهرهای مختلفی چون اصفهان، شیراز، مشهد، بجنورد، بوشهر، بهبهان، ممسنی، خینی شهر، شهرضا، اراک، قزوین، سقز، سنندج، دیواندره، مریوان، قروه، تبریز و کرمانشاه تجمع کردند و خواستهای واحدی را فریاد زدند. در این اجتماعات معلمان در سخنرانی هایشان از تخصیص نابرابر بودجه و دزدی ها و اختلاس ها سخن گفتند و به این ترتیب معلمان یک روز اعتراضی با شکوهی را پشت سر گذاشتند. قطعنامه و شعرهای اعتراضی معلمان قبلا در سطح گروههای مدیای اجتماعی انتشار یافته بود. محور خواستههای معلمان در قطعنامه و شعرهای اعتراضی شان، اعتراض علیه فقر، تبعیض و نابرابری بود و پلاکاردهای یکدست و قرمز رنگ با خواستههای آموزش رایگان برای همه، بیمه کارآمد، حق تشکل، نان،

سخن این هفته را به اجلاس سازمان جهانی کار که در پیش است و دور جدید اعتراضات قدرتمند معلمان و تجمع سراسری آنان در روز ۲۰ اردیبهشت اختصاص میدهم.

سراغاز جدیدی از مبارزات قدرتمند معلمان

هفته معلم، هفته اعتراضات معلمان برای پیگیری خواستههایشان و سراغاز جدیدی از مبارزات قدرتمندشان بود. فراخوان برگزاری این هفته را شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان داده بود. در این هفته معلمان تحت عناوینی چون حمایت از معلمان بازداشتی، دفاع از حق تحصیل رایگان و کیفیت بالای آموزشی، اعتصاب اختطاری سراسری دو ساعته در ۱۹ اردیبهشت و برگزاری تجمع سراسری قدرتمند ۲۰ اردیبهشت، دست به اعتراض زده و خواستههایشان را فریاد زدند. اعتصاب اختطاری سراسری معلمان در روز نوزدهم اردیبهشت، گامی در جهت گفتن اعتصابات سراسری به عنوان یک راه حل فوری در اعتراض علیه فقر و فلاکت بیسابقه حاکم و برای داشتن یک زندگی انسانی بود. در پاسخ به فراخوان دو ساعت اعتصاب سراسری در نوزدهم اردیبهشت در شهرهای مختلف معلمان در مدارس دست از کار کشیدند و عکس های تحصن خود را در کانال های تلگرامی انتشار دادند. در ادامه این تحركات سازمانیافته، تجمعات اعتراضی سراسری معلمان در روز ۲۰ اردیبهشت برپا شد. فراخوان مشخص این تجمع به معلمان شاغل و بازنشسته و به دانش آموزان و خانواده هایشان بود و با استقبال خوبی روبرو شد. این استقبال خصوصا در گروههای مبارزاتی مدیای اجتماعی بارز بود. معلمان در این روز در تهران در مقابل سازمان برنامه و بودجه و در شهرستانها در مقابل مراکز آموزش و پرورش تجمع کردند. این تجمعات نقطه اوج اعتراضات معلمان در دور جدید و اولتیماتوم آنها برای اجرایی شدن خواستههایشان بود.

چگونگی اجرای آنست. در این سه جانبه گرایی مسخره در بهترین حالت نمایندگان دولت و کارفرمایان در یک جبهه واحد قرار دارند و تنها یک نفر از هیات ۴ نفره تحت عنوان نماینده کارگران شرکت میکند. حال در کشورهایی همانند ایران که کارگران از حقوقی چون حق تشکل، حق اعتصاب، حق تجمع و دیگر آزادی های پایه ای در جامعه محرومند، وضع از این هم بدتر است. در ایران این نماینده تشکلهای دست ساز حکومتی هستند که تحت عنوان "نماینده کارگران" به عنوان عضوی از هیات اعزامی حکومت در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار شرکت میکند. کارگران کل این بساط را قبول ندارند و به مامشات سازمان جهانی کار با حکومت اسلامی اعتراض دارند. از همین رو هر سال با فرارسیدن زمان برگزاری این کنفرانس ها، نامه های بسیاری از سوی تشکلهای رهبران سرشناس کارگری در اعتراض به شرکت نمایندگان تشکلهای دست ساز حکومتی تحت عنوان "نماینده کارگران" در این اجلاس ها سرازیر شده است.

امسال ما همانند هر سال طی بیانیه ای اعتراض خود را به حضور هیات جمهوری اسلامی در آی ال او اعلام کرده و اساس سخنان اینست که جمهوری حکومت آپارتاید جنسی، سرکوب، اعدام و جنایت است و باید از سازمان جهانی کار و تمامی نهادهای بین المللی اخراج شود. از نظر ما جای چنین رژیمی نه در اجلاس سازمان جهانی کار، بلکه پشت میز محاکمه است.

ما از نهادها و سازمانهای کارگری در سراسر جهان خواستار اعتراض به حضور هیات جمهوری اسلامی در اجلاس آی ال او شده ایم. ما خواستار بایکوت هیات جمهوری اسلامی در این اجلاس شده ایم. در عین حال ما خواستار این شده ایم که به حکومت اسلامی فشار بیاورند که کارگران زندانی، معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی فوراً آزاد شوند. ما خواستار پایان دادن به امنیتن کردن مبارزات کارگران، معلمان و مردم معترض در ایران شده ایم. خواست ما اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و تمامی مراجع بین المللی است.*

اسلامی در این اجلاسهاست. حزب کمونیست کارگری ایران هرساله با فرستادن هیاتی به مقابل اجلاس سازمان جهانی کار تلاش میکنند که اعتراضات را به حضور هیات جمهوری اسلامی در این اجلاس ها اعلام دارد. از جمله در سالهای متعددی فعالین حزب توانسته اند در همان لحظه گشایش کنفرانس به داخل سالن بروند و با بدست گرفتن عکس کارگران زندانی و پخش بیانیه های حزب در میان شرکت کنندگان در اجلاس صدای اعتراض کارگران و مردم ایران را به گوش سازمانهای مختلف کارگری در سطح جهان برسانند. اجلاس امسال سازمان جهانی کار در بیست و هشتم ماه مه آغاز و تا هشتم ژوئن ادامه خواهد داشت.

اجلاس سازمان جهانی کار امسال در شرایطی برگزار میشود که برای ما کارگران در ایران ویژه است. به این معنا که در تداوم خیزش انقلابی مردم در دیماه علیه کل بساط جهنمی حکومت اسلامی، جنبش کارگری پر تلاطم تر از هر وقت به جلو میرود. جامعه در حال انفجار است و بروزات این شرایط را در بزرگداشت با شکوه روز جهانی کارگر شاهد بودیم. روزی که در آن کارگران در یک همبستگی وسیع طبقاتی در سطح جامعه به سرمایه داری نه گفتند و جامعه ای انسانی را فریاد زدند. در چنین شرایطی امسال نیز همانند هر سال در مقابل اجلاس سازمان جهانی کار حاضر خواهیم بود تا صدای اعتراض کارگران و کل جامعه علیه حکومت ضد بشری و آپارتاید جنسی در ایران و مامشات سازمان جهانی کار با این حکومت باشیم.

در این نوشته کوتاه سعی دارم که اشاره ای به اینکه اجلاس های سالانه سازمان جهانی کار چگونه شکل میگیرد و پیام اعتراضی ما به این اجلاسها چیست، داشته باشم. طبق اساسنامه سازمان جهانی کار، هرسال هیاتی ۴ نفره تحت عنوان سه جانبه گری (دولت، کارفرما، کارگر) مرکب از دو نماینده هیات دولتی، یک نماینده کارفرما و یک نماینده کارگر از سوی کشورهای عضو راهی اجلاس سازمان جهانی کار میشود. کار این هیات ها بحث و گفتگو بر روی مقررات کار در سطح جهانی و

مارکس و جوانان

هوشیار سروش

نیاز دارد و مارکس پاسخ انسانی به دنیای امروز است.

لوموند نشریه شناخته شده فرانسوی مطلب جالبی درباره گرایش بسیار قوی جوانان امروز آمریکا و تمایل شدید آنها به مطالعه آثار مارکس و رجوع به او نوشته است. در این نوشته با توضیح یک انشعاب در سازمان سوسیالیستهای آمریکا که به حزب دمکرات متمایل است گفته میشود که بخش بزرگی از اعضای این سازمان که عمدتاً جوانان هستند، بدلیل تمایلات راست موجود در حزب دمکرات از این سازمان جدا شده و راه خود را از آنها جدا کرده اند.

نکته مهم اینست که این چپ جوان آشکارا خود را سوسیالیست مینامد. نامی که تا قبل از بحران اخیرو تجزیه کامل جامعه آمریکا، اسم بردن از آن در این کشور کفر بود. این نسل جوان راه حل متفاوتی را برای حل مشکلات خود و جامعه آمریکا از راه حل های تاکنونی جستجو میکند.

این چپ بدون اینکه تاریخچه جنبش سوسیالیستی آمریکا را بداند و یا رهبران آنرا بشناسد، خود را سوسیالیست و مارکسیست میدانند و راهکار مارکس را در نقد جامعه سرمایه داری و نقد کاپیتالیسم دنبال میکنند. این نسل تجربه بحران اخیر و بی ثباتی اجتماعی و خانه خرابی طبقه کارگر آمریکا و خم شدن کمر خود زیر بار این فلاکت روزافزون و دریک کلام تخریب کامل رویاهای خویش توسط سرمایه داری را، در مطالعه مارکس و نقد اقتصاد سرمایه داری از زبان او جستجو میکنند.

گسترش توجه به مارکس البته بهیچوجه محدود به آمریکا و نسل جوان نیست. بشریت بدون تردید امروز بیش از هر زمان به مارکس نیاز دارد. *

پنجم ماه مه یعنی هفته گذشته، دویستمین سالروز تولد کارل مارکس بود. مارکس فیلسوف و اندیشمند و نظریه پرداز مبارزو خستگی ناپذیر راه تعالی و سعادت بشریت و روشن کننده راه رهایی از این دنیای وارونه سرمایه داری بود. جالب این بود که تقریباً تمامی بنگاههای خبررسانی رسمی و جدی جهان با تیتراهای ستایش آمیز و ارزشمند، یاد این مرد بزرگ قرون را گرامی داشتند.

مارکس در این روز در شهر تریر آلمان (پروس سابق) در سال ۱۸۱۸ متولد شد. بهمین خاطر در همین شهر و با حضور هزاران نفر از دوستداران او که از اقصی نقاط آلمان و جهان به این شهر آمده بودند، طی یک مراسم با شکوه و فراموش نشدنی از مجسمه تمام قد مارکس پرده برداری شد. و بقیول شهردار شهر تریر، مارکس دوباره به شهر خود بازگشت. جا دارد خاطر نشان کنم که حضور پررنگ جوانان و دوستداران جوان مارکس در این تجمع و همایش فراموش نشدنی، بسیار نمایان و پررنگ بود.

همچنین جا دارد که سوال شود که چرا مارکس و اندیشه هایش و چرا مارکسیسم همچنان یک راه حل اساسی برای حل مشکلات و گرهگامهای اساسی امروز بشر در تمام دنیا شناخته میشود. و چرا نسل جوان امروز و نه فقط در اروپا بلکه در نقاط دیگر دنیا دوباره به مارکس و اندیشه های او رجوع می کند؟ چرا کتاب کاپیتال مارکس کماکان از پرفروش ترین کتابهای دنیاست؟ پاسخ به این سوالات را میتوان از زوایای مختلفی داد. اما نکته مهم اینست که امروز در قرن بیست و یکم حتی دشمنان کمونیسم و مارکس نمیتوانند جایگاه عظیم مارکس در رهایی بشریت را انکار کنند. دلیل زنده بودن مارکس بدون تردید اینست که جهان همچنان به تغییری اساسی

اجافات رژیم است. خطر تلگرام برای حکومت اسلامی خطر سرنگونی است. خطر تلگرام برای رژیم تا حدی بود که خامنه ای راساً طی یک حکم حکومتی رای به تعطیلی تلگرام داد. ولی جرات نکردند این را با صراحت اعلام دارند و دستور فیلترینگ را به پای یک بازپرس درجه چندم دستگاه قضایی نوشتند. اما نزاع های حکومتی باعث شد که روحانی انگشت اتهام را به سوی "رهبر" نشانه رود و منکر نقش خود و دولت در این مسدود سازی شود. وقتی دولتی از خود در این رابطه "سلب مسئولیت" می کند یعنی اینکه دارد به عدم صلاحیت خود رای میدهد و مردم باید هرچه سریعتر آنرا به زواله دان بیاندازند. مردم به درست مسدود شدن تلگرام را به پای کل حکومت می نویسند و وحشت حکومت از اتحاد و ارتباط و اعتراض خود را می بینند. در دیدار اخیر روحانی از مشهد مردم شعار "تلگرام، تلگرام" را سردادند. مسدود کردن تلگرام برای جمهوری اسلامی به "غانله" تازه ای تبدیل شده است که حتی "خواباندن این غانله" برای حکومت دردسر ساز شده است. حقیقت این است که غول خفته ای که با اعتراضات دی ماه بیدار شد اکنون با این تمهیدات سرکوبگرانه از میدان به در نخواهد رفت. مردم تشنه آزادی هستند. می خواهند آزاده با دیگران تبادل اطلاعات کنند و از هر وسیله ای برای احقاق حقوق خود استفاده نمایند. اگر قرار است چیزی از صحنه تاریخ برای همیشه فیلتر شود حکومت سیاه اسلامی است که دشمن انسانیت و آزادی و رفاه مردم است. *

افدائاتی مجرمانه است. در مملکتی که رادیو تلویزیون و رسانه اش بنگاه خرافه پراکنی و جهل و چرندیات و دروغ است، در کشوری که مردم در آن حق آزادی بیان ندارند و مداوماً بخاطر طلب خواستههایشان و طرح نظرات و مطالباتشان تحت پیگرد و بازداشت قرار می گیرند و یا از جانشان مایه می گذارند، کانال تلگرام امکانی را فراهم آورده است تا مردم سد سرکوب و سانسور را پشت سر بگذارند و حرف دلشان را بزنند. تلگرام به رسانه ای تبدیل شده است که حصار رسانه رسمی را در هم می شکند. تلگرام وسیله ای برای مقابله با زورگویی حکومت، بسیج و سازماندهی نیروی مردم علیه

بازتاب هفته

(زیر نظر کاظم نیکخواه)

تلگرام هراسی حکومت از چیست؟

حسن صالحی

آملی لاریجانی، رئیس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، مسدودسازی «تلگرام» را در راستای «احقاق حقوق مردم» ایران دانسته است. این توضیح آنچنان رسوا و مضحك و در عین حال گستاخانه است که صرف برزبان آوردن آن وضعیت نزار آنها را نیز که به هذیان گویی افتاده اند بروشنی بیان میکند. چه کسی است که نداند در فرهنگ لغت جمهوری اسلامی «حقوق مردم» همان منافع مشتی انگل دزد و مفتخور حاکم است که با اینکه مردم با صدای بلند رای به رفتنشان داده اند می خواهند با زور و سرکوب بر سرکار باقی بمانند؟

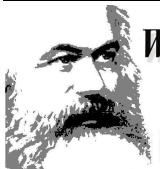
لاریجانی و دیگر سردمداران رژیم همه بخوبی می دانند که مسئله تلگرام بر سر مسدود سازی اقدامات مجرمانه و یا «کلاهبرداری» عده ای نیست. بلکه بر عکس، پرده برداری تلگرام از جانیان و شیادان و دزدان حکومتی است. جمهوری اسلامی از تلگرام می ترسد چرا که در ثانیه ای جنایات جمهوری اسلامی علیه مردم در آن بر ملا می شود. حاکمان اسلامی از تلگرام وحشت دارند چرا که با استفاده از این مدیای اجتماعی دزدی های سران و عوامل رژیم در معرض دید چهل میلیون قرار می گیرد. جمهوری اسلامی از تلگرام هراس دارد چرا که مردم از طریق آن قول و قرار

دستگیری مجدد یکی از دختران خیابان انقلاب

کاظم نیکخواه

فیلمی منتشر شده بر رسانه های اجتماعی نشان میدهد که شاپرک مورد تعرض مامورین حکومتی که میخواهند او را به خاطر عدم رعایت حجاب اسلامی دستگیر کنند قرار میگیرد و با جسارت به آنها جواب میدهد و اعتراض میکند و نهایتاً با کودکش دستگیر میشود.

این هفته جمهوری اسلامی مجدداً یکی از دختران خیابان انقلاب را دستگیر کرد. او بنام شاپرک شجری به همراه کودک ۹ ساله اش روز سه شنبه در کاشان دستگیر شد. شاپرک یک بار دیگر نیز در تاریخ ۲ اسفند ۹۶ در تهران به دلیل بالای چوب کردن حجاب دستگیر شده بود.



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**

حزب کمونیست کارگری ایران
Workers-Communist Party of Iran
www.wpiiran.org

اعتصاب و اعتراض در شهر بانه ادامه دارد

در بانه اعتصابی که از ۲۶ فروردین شروع شده بی وقته ادامه دارد. با وجود فشارهای پلیسی و اذیت و آزار مغازه داران توسط نیروهای نظامی حکومت اسلامی، مغازه ها تعطیل هستند و شهر بانه وارد بزرگترین اعتصاب سیاسی در چند دهه اخیر در ایران شده است. مردم شهر بانه علاوه بر تجمعات و راهپیمایی اعتراضی و پهن کردن سفره خالی در اعتراض به فقر و محرومیت شروع به آتش زدن قبض های آب و برق کرده اند و اعلام کرده اند که قبض ها را نخواهند پرداخت. جوانان شهر سمنندج در يك اقدام سمبولیک بر روی پلاکاردهایی نوشته اند، "بانه تنها نیست"، "نه به کشتن کولبران" مردم شهرهای کردستان کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری شما را به حمایت از

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷،

۸ مه ۲۰۱۸

زیرآبش زده شده است. و مذهب همه جا بعنوان صنعت دزدی و چپاول از سفره مردم شناخته میشود. حتی کم نیستند کسانی که خود را مسلمان میدانند اما آخوند و حوزه علمیه و قوانین اسلامی را ابزار دزدی میدانند.

به دستگیری شاپرک شجری و کودک خردسالش باید وسیعاً اعتراض کنیم. تعرض به زنان و دختران و تحکم برای رعایت حجاب اسلامی، در واقع تعرض به حرمت و حقوق ابتدایی همه انسانهاست. این دیوار ارتجاع آشکارا ترک برداشته است. فیلمهایی که از مقاومت زنان در برابر ماموران حکومتی منتشر میشود این را بروشنی نشان میدهد که چگونه دختران جوان با تندی و حق بجانبی به مامورین مسلح حکومت جواب میدهند و آنها را عقب میرانند. این فضا را باید هرچه بیشتر گسترش دهیم تا جایی که مامورین مزدور حکومتی جرات نکنند به هیچ زن و دختری چنگ اندازی کنند. *

اطلاعیه مطبوعاتی شماره يك کمپین علیه جایزه دویچه وله به صادق زیبا کلام

صادق زیبا کلام خلع سلاح شد!

عقب نشینی کافی نیست، جایزه باید پس گرفته بشود!

ترجیح میدهد اول به روزنامه نگار و اخلاق ژورنالیستی بند کند که لابد مانند اخلاق حوزه علمیه نیست، بعد هم مخاطب را ابله فرض کرده میگوید بقیه برداشتشان اشتباه است. این عذرخواهی نیست. نیم قدم عقب نشینی به خاطر آبرویاختگی و ورشکستگی سیاسی است. این کلک آخوندی است. اخلاق جهان سومی، شرفزده و پوسیده است.

۲- صادق زیبا کلام محال ممکن بود عقب نشینی کند اگر ما و مردم اعتراض نمیکردیم. اگر در سال ۶۰ یا ۶۷ بودیم، ما بودیم که بوسیله ایشان و نظامش به خاطر اعتراض قتل عام میشدیم، در خارج کشور ترور میشدیم. الان ورق برگشته است. الان از پنجره اتاق زیبا کلام میشود راهروهای مملو از دستگیرشدگان سران نظام را در دادگاههای رسیدگی به جرائمشان دید. گذشت دوره ای که سبز و زرد و بنفش در خارج کشور به خاطر عوض کردن قمه با قلم، لباس لیبرالی به تن و لیخند به لب جایزه میگرفتند. خارج کشور سکوی مبارزه مردم ایران است. همان اعتراضی که زیبا کلام قرار بود مقابلش بایستد، هنوز از جا خیز برداشته خلع سلاح کرد. تا دیگر احدی جرئت این غلط خوردنها را جلو مردم ایران نکند.

۳- این عقب نشینی کافی نیست. اگر راست میگوید باید

جایزه را پس بدهد. ۴- ایشان عقب نشینی کرده است، ایشان کلک آخوندی میرند، ریاست دویچه وله اما آخوند نیست. ما خواهان پس گرفتن این جایزه از زیبا کلام و عذرخواهی دویچه وله از مردم ایرانیم. همه کسانی که در بخش فارسی این رسانه برای وی لایبگری کردند، به جای دادن جایزه به رضا شهبابی، به جعفر عظیم زاده، به مادر ستار بهشتی، به دختران انقلاب، به دانشجویان دربند، به رامین حسین پناهی، به مادر فرزند کمانگر، به شعله پاکروان و... به صادق زیبا کلام جایزه دادند، اینها بایست حساب پس بدهند. دویچه وله بایست پاسخگو باشد. این بساط را ما به لحاظ سیاسی و حقوقی جمع میکنیم.

۵- و نکته آخر اینکه هر نوع دفاع از حکومت اسلامی و نظام نص صریح دفاع از خشونت است. حکومتی که میکشد و جوان معترض را به خودکشی وادار میکند، حکومتی که هر صدای اعتراضی را در نطفه خفه میکند حکومتی که نان و امنیت و زندگی میلیونها نفر را به گروگان گرفته است، باید برود. اسم این عمل نه فروپاشی و هرج مرج، بلکه سرنگونی حکومت اسلامی است. دهم ماه مه ۲۰۱۸

صادق زیبا کلام در اظهارات اخیر خود که پس از اعتراضات به جایزه دادن به وی صورت گرفته میگوید که اولین مصاحبه کننده اش «بی اخلاقی» کرده که حرفهای ایشان را تخاصم بازتاب داده است! در ثانی منظور وی از اسلحه گرفتن و ایستادن در مقابل مردم که مترصد سقوط این نظام میباشد، اینی نیست که منعکس شده است. ایشان قسم و آیه میخورد که میداند بخش اعظمی از مردم حکومت را نمیخواهند و همچنین برای جلوگیری از آبروریزی به رخ میکشد که به عنوان يك «لیبرال» که لابد با همین کلک جایزه را گرفته است، از سلاح و فشنگ بیزار است. زیبا کلام با زرنگی آخوندی میگوید تازه به خاطر سخنانش تهدید به زندان و دادگاه شده است. اگر یادتان باشد چندی قبل این آقا زاده رفسنجانی میگفت اگر زندانی اش کنند آنجا خاویار سفارش خواهد داد!

پاسخ کمپین ما علیه جایزه دادن به زیبا کلام در مورد این عقب نشینی این است:

۱- دستگاه آخوند در ایران فرهنگ عذرخواهی کردن ندارد. لیبرالیسم اروپا و غرب در مقابل نیم درصد این اظهارات برای احترام به مردم به جای بند کردن به روزنامه نگار و مخالفین حکومت، خیلی راحت اگر پستی داشت استعفا میداد. زیبا کلام

کمک مالی

عباس ماندگار

۵۰۰ دلار

مصطفی صابر

۵۰۰ دلار

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



